

شهرداری‌ها؛ درآمد پایدار، شرط اداره شهر

فتح‌الله توسلی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی اداره شهر بدون منابع مالی پایدار امکان‌پذیر نیست. توسعه حمل‌ونقل عمومی، نگهداری معابر، مدیریت پسماند، توسعه فضای سبز و ارائه خدمات شهری، همگی به منابعی نیاز دارند که بتوان روی استمرار آن حساب کرد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که اتکا به درآمدهای ناپایدار، نه‌تنها برنامه‌ریزی مدیریت شهری را دشوار می‌کند، بلکه در نهایت می‌تواند هزینه اداره شهر را به شهروندان منتقل کند.

درآمدهای حاصل از منابع مالیاتی، به‌ویژه سهمی که به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها اختصاص پیدا می‌کند، از این منظر اهمیت ویژه‌ای دارد. این منابع می‌توانند بخشی از هزینه‌های عمومی و زیرساختی شهرها را پوشش دهند و وابستگی مدیریت شهری به روش‌هایی مانند فروش تراکم، تغییر کاربری و درآمدهای اتفاقی را کاهش دهند.

اصلاح قوانین مرتبط با نحوه توزیع این منابع، بنابراین صرفاً یک تغییر حقوقی یا اداری نیست؛ بلکه می‌تواند بر مدل اقتصادی اداره شهرها اثر بگذارد. هرچه سازوکار تخصیص منابع روشن‌تر، شفاف‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد، شهرداری‌ها نیز امکان بیشتری برای تنظیم بودجه و اجرای پروژه‌های عمرانی خواهند داشت. البته افزایش یا اصلاح سهم شهرداری‌ها از منابع مالیاتی زمانی می‌تواند به نتیجه مطلوب برسد که همراه با نظارت دقیق بر نحوه هزینه‌کرد باشد. منابع عمومی باید به سمت نیازهای واقعی شهرها هدایت شوند و شهروندان نیز بتوانند تصویر روشنی از محل مصرف این درآمدها داشته باشند. شفافیت مالی در مدیریت شهری، بخش جدایی‌ناپذیر اصلاح نظام درآمدی است.

از سوی دیگر، تفاوت میان شهرها و دهیاری‌ها ایجاد می‌کند سازوکار توزیع منابع صرفاً بر مبنای جمعیت نباشد. میزان محرومیت، وسعت، زیرساخت‌های موجود، هزینه ارائه خدمات و ظرفیت اقتصادی مناطق نیز باید در این فرآیند مورد توجه قرار گیرد تا منابع مالیاتی بتواند به کاهش شکاف میان مناطق مختلف کمک کند.

رعایت اصول قانون اساسی در این مسیر نیز اهمیت اساسی دارد. منابع عمومی زمانی می‌توانند اثرگذاری واقعی داشته باشند که مسیر ورود، تخصیص و مصرف آنها در چارچوب قانونی مشخص انجام شود و هیچ ابهامی در مسئولیت دستگاه‌های مختلف وجود نداشته باشد.

اصلاح ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند فرصتی برای بازنگری در رابطه مالی دولت و مدیریت‌های محلی باشد؛ اما موفقیت آن به نحوه اجرای قانون بستگی دارد. اگر هدف، ایجاد درآمد پایدار برای شهرهاست، باید همزمان سه اصل دنبال شود: تأمین منابع قابل اتکا، توزیع عادلانه و شفافیت در هزینه‌کرد در نهایت، شهر پایدار با درآمد ناپایدار ساخته نمی‌شود. مدیریت شهری برای آنکه بتواند از تصمیم‌های کوتاه‌مدت فاصله بگیرد و به سمت توسعه واقعی حرکت کند، به نظام درآمدی روشن و قابل پیش‌بینی نیاز دارد؛ نظامی که هم حقوق شهروندان را رعایت کند و هم امکان ارائه خدمات باکیفیت را برای شهرها و روستاها فراهم آورد.

خبر

دستور جدید دولت برای واریز ۱ میلیونی به کیف پول کارمندان



دولت پرداخت بخشی از کمک‌های رفاهی کارکنان و یارانه‌ها را مشروط به رضایت از طریق کیف پول الکترونیک ابلاغ کرد.

سیاست‌گذار پولی و اجرایی کشور گام تازه‌ای را برای تغییر شیوه توزیع اعتبارات خرد و یارانه‌ای برداشته است. بر اساس مصوبه تازه هیئت وزیران که با امضای معاون اول رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده، مسیر جدیدی برای تخصیص بخشی از مزایای جانبی کارکنان دولت و همچنین یارانه‌های معیشتی گشوده می‌شود.

بر پایه این تصمیم، تمامی دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه مکلف شده‌اند در صورت اعلام رضایت کارکنان، حداقل ماهانه یک میلیون تومان از کمک‌های رفاهی مصوب در ضوابط اجرایی بودجه را در قالب افزایش موجودی «کیف پول ایران» پرداخت کنند.

این سازوکار به حوزه کارمندی محدود نمانده و بر اساس تبصره‌های بخشنامه ابلاغی، با درخواست ذی‌نفعان امکان تمیم به سایر پرداختی‌ها و حقوق مستمری‌بگیران را نیز خواهد داشت؛ رویکردی که نشان‌دهنده تلاش برای هدایت منابع یارانه‌ای و رفاهی به سمت بستر پرداخت‌های دیجیتال و زنجیره مصرف هدفمند است. در لایه سیاست‌گذاری یارانه‌ای نیز سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها موظف شده است با الگوبرداری از همین سازوکار، امکان واریز بخشی از یارانه نقدی سرپرستان خانوار به این کیف پول ملی را مهیا کند و هم‌زمان مسئولیت آگاهی‌بخشی و آموزش عمومی خانوارها را بر عهده بگیرد.

اجرای هماهنگ این طرح مستلزم همکاری چندوجهی میان سازمان اداری و استخدامی، سازمان برنامه و بودجه و خزانه‌داری کل کشور برای تأمین، تخصیص و انتقال به‌موقع اعتبارات به حساب متمرکز بانک مرکزی ظرف مهلت تعیین‌شده یک‌ماهه است. در ضلع فنی و زیرساختی ماجرا، بانک مرکزی مأموریت یافته تا پس از دریافت داده‌های هویتی و اعتباری، علاوه بر شارژ مستقیم کیف‌پول‌ها، بستر پذیرندگی را با اولویت‌بخشی به توان شرکت‌های نوآور مالی و فین‌تک‌های بخش خصوصی گسترش دهد و بسته‌های تشویقی متناسبی را برای تسهیل خرید کالا‌های اساسی و خرد طراحی کند. این مصوبه در واقع فاز عملیاتی پیوند سیاست‌های رفاهی با ابزارهای نوین پرداخت به شمار می‌رود تا شیوه تخصیص یارانه‌ها از پرداخت نقدی صرف به سمت گردش هدفمند اعتبارات حرکت کند.



محبصول از مزرعه تا سفره مسیر کوتاهی ندارد؛ در این مسیر، هزینه‌های مختلفی به قیمت کالا اضافه می‌شود، اما پرسش مهم اینجاست که چرا فاصله قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده در برخی کالاها تا این اندازه زیاد می‌شود. وقتی کشاورز از قیمت نهایی سهم محدودی می‌برد و مصرف‌کننده هم کالای گران‌تری می‌خرد، یعنی مسئله در خود زنجیره توزیع است.

کشاورزی فقط یک بخش تولیدی نیست؛ مستقیماً با امنیت غذایی، اشتغال روستایی و هزینه زندگی خانوارها ارتباط دارد. با این حال، یکی از چالش‌های قدیمی اقتصاد ایران، فاصله میان قیمت محصول در مبدأ و قیمت آن در بازار مصرف است.

کشاورز با هزینه‌هایی مانند نهاده، دستمزد، ماشین‌الات، بسته‌بندی و نگهداری روبه‌روست. پس از برداشت نیز محصول باید جمع‌آوری، حمل، انبار، بسته‌بندی و توزیع شود. طبیعی است که بخشی از قیمت نهایی به این هزینه‌ها مربوط باشد. اما هرجا این فاصله از منطق هزینه‌ها خارج شود، باید زنجیره توزیع مورد بررسی قرار گیرد.

نبود شفافیت در مسیر توزیع، ضعف تشکیل‌های تولیدکنندگان و تمدد واسطه‌ها می‌تواند قدرت چانه‌زنی کشاورز را کاهش دهد. تولیدکننده‌ای که امکان نگهداری محصول یا دسترسی مستقیم به بازار ندارد، ممکن است مجبور شود محصول خود را در زمان نامناسب و با قیمت پایین‌تر عرضه کند.

جهان اقتصاد بررسی می‌کند؛

سفره از مزرعه دور شد



توسعه بازارهای مستقیم، سامانه‌های شفاف عرضه و قراردادهای خرید میان تولیدکننده و خریدار نیز می‌تواند بخشی از این فاصله را کاهش دهد.

در کنار آن، توسعه سردخانه، انبار و صنایع فرآوری اهمیت زیادی دارد. محصولی که امکان نگهداری ندارد، قدرت چانه‌زنی تولیدکننده را کاهش می‌دهد. اما اگر کشاورز بتواند محصول را در شرایط مناسب نگهداری یا فرآوری کند، الزام به فروش فوری کمتر خواهد شد.

سیاست‌گذار نیز باید به جای تمرکز صرف بر قیمت نهایی، کل زنجیره را ببیند. کنترل دسترسی قیمت بدون اصلاح هزینه تولید و شبکه توزیع، ممکن است

چرا بازاری‌ها هنوز چک کاغذی می‌کشند؟ راز عقب‌ماندگی چک الکترونیک

رفتار تجاری ایجاد نشود؛ به‌ویژه در شرایطی که ابزارهایی مانند سانتا و پایا نیازهای تسویه نقدی را با سهولت بسیار پاسخ می‌دهند.

درس‌های بین‌المللی برای حذف گردش فیزیکی

نگاهی به تجربه بین‌المللی بیانگر آن است که کنار گذاشتن چک فیزیکی مستلزم یک دوره گذار مرحله‌ای و منطقی است. ایالات متحده با تصویب قانون مشهور «چک ۲۱» در سال ۲۰۰۴ میلادی، ماهیت صدور فیزیکی چک توسط مشتری را حفظ کرد و اصلاحات را به فرآیند تسویه محدود ساخت؛ به این معنا که تنها تصویر دیجیتال چک میان بانک‌ها مبادله شد و مشتری بدون نیاز به تغییر رفتار ناگهانی، در بستر دیجیتال قرار گرفت. کشور هند نیز از طریق سامانه تسویه الکترونیکی تصویر چک، هم‌زمان با اصلاح قوانین ناظر بر تجارت الکترونیک و اسناد تجاری، گردش فیزیکی کاغذ میان شعب را متوقف کرد.

رویکرد در پیش گرفته شده در ایران بر حذف مستقیم کاغذ از مبدا صدور استوار است که هرچند چشم‌اندازی مدرن‌تر دارد، اما برای ثمربخشی به آموزش گسترده‌تر و مشوق‌های عینی‌تری در بطن اصناف نیاز دارد تا به سرنوشت سامانه‌های متروک دچار نشود.

افق زمانی و الزامات وداع کامل با کاغذ

برآوردها نشان می‌دهد که بدون مداخله مستقیم و هوشمندانه رگولاتور، حذف چک کاغذی تا پایان دهه جاری نیز محقق نخواهد شد و در یک سناریوی ایستا، چک الکترونیک حداکثر به سهمی ۳۰ تا ۳۵ درصدی در معاملات اعتباری دست خواهد یافت. با این حال، در صورتی که سیاست‌گذار پولی سناریوی الزام تدریجی را به کار گیرد و صدور چک کاغذی را از سال‌های ۱۴۰۶ تا ۱۴۰۷ برای شرکت‌های بورسی، بنگاه‌های دولتی، کارخانه‌های بزرگ و فعالان دارای تراکنش‌های سنگین ممنوع کند، بخش اعظم ارزش مبادلات به فضای دیجیتال منتقل خواهد شد و کاغذ تنها در دادوستدهای بسیار خرد باقی می‌ماند.

اگر این سیاست انضباطی با مشوق‌های کارآمد اقتصادی نظیر به صفر رساندن کارمزدهای ثبت و وصول در سامانه چکاد، تخصیص خطوط اعتباری ترجیحی و اتصال چک الکترونیک به زنجیره تأمین مالی فاکتورهای رسمی پیوند داده شود، می‌توان انتظار داشت که تا اواخر سال ۱۴۰۶ بیش از هشتاد درصد معاملات اعتباری کشور از کاغذ رهایی یابد. تا زمانی که این مشوق‌ها و الزامات قانونی وارد عمل نشوند، تمایل به حفظ برهه‌های چک سنتی همچنان نبض بازار ایران را در دست خواهد داشت.

از نگاه کارشناسان، زیرساخت فنی ایران در اتصال سامانه‌های چکاد و صیاد به سامانه‌های نظارتی، اعتبارسنجی آنی و احراز هویت متمرکز، حتی در قیاس با سامانه‌های پرداخت برخی کشورهای منطقه پیشرفته‌تر و امن‌تر ارزیابی می‌شود. این بستر ریسک جعل، دستکاری ارقام یا سرقت فیزیکی را به صفر رسانده است، اما فناوری به‌تنهایی توانسته مانع روانی ناشی از سنت دیرینه مبادلات را از میان بردارد.

چک کاغذی از نظر روانی با امضای زنده و اثر انگشت صادرکننده گره خورده و به فعال بازار اطمینان خاطری می‌بخشد که هنوز نمونه مشابه آن در یک کد دیجیتالی یا فایل سامانه لمس نشده است. افزون بر این، صدور چک دیجیتال پیچیدگی‌های کاربری خاص خود را دارد. نیاز به نصب نرم‌افزارهای گوناگون بانکی، دریافت گواهی امضای دیجیتال، دسترسی پایدار به اینترنت و آگاهی از الزامات فنی سامانه‌ها، فرآیندی دشوار برای بدنه اصناف و بازاریاران سنتی ایجاد کرده است؛ در حالی که تحریر و امضای یک برگ چک فیزیکی تنها چند ثانیه زمان می‌برد و فارغ از اختلالات اینترنتی یا سواد نرم‌افزاری صادر می‌شود.

گسست زنجیره پذیرش و هراس از شفافیت

عامل کلیدی دیگر در عدم رغبت عمومی به چک الکترونیک، گسست زنجیره پذیرش یا نقص در اثر شبکه‌ای است. اعتبار یک سند پرداختی زمانی تثبیت می‌شود که تمامی فعالان در طول زنجیره ارزش حاضر به دریافت آن باشند. هنگامی که یک عمده‌فروش چک الکترونیک را از خریدار می‌پذیرد اما در پرداخت مطالبات شرکت‌های پخش، رانندگان حمل‌ونقل یا کارگاه‌های کوچک امکان انتقال آن را ندارد، کل نقدینگی اعتباری او متجمد می‌شود. بنابراین، تا زمانی که پذیرش این ابزار در تمام سطوح جامعه تجاری به یک قاعده تبدیل نشود، حلقه نخست زنجیره نیز ناگزیر به کاغذ وفادار می‌ماند.

از سوی دیگر، شفافیت کامل چک الکترونیک خود به عنوان عاملی بازدارنده عمل کرده است. ثبت بلاواسطه مشخصات فرستنده، گیرنده، تاریخ و شناسه مبادله در پایگاه‌های مرکزی، ردپای کاملی برای محاسبه مالیاتی پدید می‌آورد؛ موضوعی که برای بخش خاکستری اقتصاد یا بازاریارانی که همچنان به شیوه سنتی از تسویه‌های چندمرحله‌ای خارج از نظارت بهره می‌برند، جاذبیتی ندارد. در کنار این موضوع، نبود مشوق‌های اقتصادی ملموس مانند معافیت از کارمزد، تخفیف‌های مالیاتی یا اولویت در دریافت اعتبارات بانکی سبب شده انگیزه لازم برای تغییر داولطیانه

فیزیکی دریافت خواهد کرد یا سیستم بانکی او را به

دریافت معادل ریالی سوق می‌دهد؟ طبق ضوابط اجرایی

مصوب سازمان بورس و دستورالعمل ناظر بر عملیات

ارزی بانک مرکزی، تسویه ریالی وجوه ناشی از ابطال

واحد‌ها صراحتاً ممنوع اعلام شده است.

بر اساس این مقررات، ورود و خروج منابع مشمول

قاعده «ارز منتخب» است؛ به این معنا که سرمایه‌گذار

با هر نوع دارایی پایه‌ای که وارد شود، تسویه نهایی نیز

دقیقاً با همان فرمت صورت می‌گیرد. اگر متقاضی با

اسکناس فیزیکی اقدام به صدور واحد کند، نهاد مالی

مکلف به بازپرداخت اسکناس در زمان خروج است و در

صورت ورود با حواله، تسویه در قالب حواله یا انتقال

به‌حساب ارزی انجام می‌شود. با این حال، کارشناسان

بازار سرمایه تأکید دارند که متن دقیق «امیدنامه

صندوق» به‌عنوان سند حقوقی ملاک عمل، باید مهلت

زمانی مشخص و فرآیند بدون واسطه تحویل فیزیکی

در شعب بانک عامل را تضمین کند تا مانع از بروز

هرگونه اصطکاک اجرایی در روزهای نوسان بازار شود.

تفکیک نقش ضامن نقدشوندگی از نظارت

بانک مرکزی

یکی از مسائل حائز اهمیت در ارزیابی ریسک این

صندوق‌ها، درک تفاوت میان «همجوز بانک مرکزی» و

«ضمانت پرداخت» است. بانک مرکزی در این ساختار

صرفاً نقش رگولاتور، سیاست‌گذار و ناظر بر انطباق تراز

ابزار جدید ارزی با هدف حفظ ارزش دارایی مردم

شکل گرفته است، اما میزان اعتماد عمومی به نحوه

پرداخت اصل و سود بستگی دارد.

راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری ارزی با درآمد

ثابت، تازه‌ترین ابتکار مشترک بازار پول و سرمایه برای

حل یکی از مزمن‌ترین معضلات اقتصاد ایران است؛

انجماد میلیاردها دلار اسکناس و حواله در گاوصندوق‌ها

و منازل. برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد بین ۱۰ تا

۲۰ میلیارد دلار منابع ارزی در دست مردم قرار دارد که

به دلایل احتیاطی یا حفظ ارزش دارایی در برابر تورم،

از چرخه تولید ملی خارج شده است.

با این حال، بزرگ‌ترین مانع در برابر جذب این

نقدینگی، بحران عمیق بی‌اعتمادی تاریخی است. در

اوایل دهه ۱۳۹۰ و مجدداً در سال ۱۳۹۷، سپرده‌گذاران

ارزی در سیستم بانکی با پدیده تلخ «تسویه دستوری

ریالی» مواجه شدند؛ تجربه‌ای که در آن اصل و فرع

مطالبات مردم با نرخ‌های رسمی و بسیار پایین‌تر از

بازار آزاد تسویه شد. تکرار نشدن آن سناریو، اکنون

پیش‌شرط حیاتی هرگونه استقبال عمومی از ابزارهای

مالی جدید است.

خط قرمز تسویه ارزی و تکلیف تحویل

فیزیکی اسکناس

معمورترین دغدغه هر سرمایه‌گذار در بدو ورود به

این صندوق‌ها روشن است: آیا هنگام ابطال واحد‌ها، ارز

جهان اقتصاد به کالبدشکافی تعارض سیاست‌های درآمدی دولت با واقعیت بحران انرژی در بخش معدن و صنایع معدنی می‌پردازد: محاصره زنجیره فولاد میان قبض‌های سنگین و لوله‌های خالی گاز



مهرناز خوشبخت
رؤن‌نامه نگار

شهریور ۱۴۰۵ برای فعالان بخش معدن و صنایع معدنی کشور با دو رویداد همزمان و متناقض همراه شد از یک‌سو، ابلاغیه جدید معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت پیرامون نحوه وصول و تسویه حقوق دولتی سنوات گذشته و تأکید بر اخذ درآمدهای تکلیفی بودجه صادر گردید و از سوی دیگر زنگ خطرهای زودهنگام از سوی شرکت ملی گاز و تشکل‌های تخصصی فولاد مبنی بر آغاز سهمیه‌بندی و قطع گاز صنایع از نیمه دوم مهرماه به صدا درآمد.

این همزمانی، نمایی عریان از یک تعارض ساختاری در حکمرانی اقتصادی کشور است: دولتی که در اسناد بودجه‌ای، تکالیف درآمدی سنگین و بیسابقه‌ای برای بخش معدن تعریف کرده، هم‌زمان توانایی تأمین زیرساخت‌های بنیادین یعنی برق در تابستان و گاز در زمستان را از دست داده است. نتیجه این پارادوکس، گرفتار شدن بنگاه‌های معدنی و کارخانه‌های زنجیره فولاد در میان دو لبه یک قیچی برنده است: افزایش هزینه‌های بالاسری و دیوانی از یک سو و افت شدید راندمان تولید ناشی از خاموشی‌های اجباری از سوی دیگر بررسی روندهای مالی نشان میدهد که حقوق دولتی معادن در سال‌های اخیر از یک «ابزار تنظیمی و بازتوزیعی برای توسعه مناطق معدنی» به «منبعی سهل‌الوصول برای جبران کسری بودجه عمومی» تغییر ماهیت داده است. پیش‌بینی درآمد حدود ۶۸ همت (و در برخی برآوردهای تجمعی تا مرز ۹۸ هزار میلیارد تومان) در تکالیف بودجه‌ای، فشار فزاینده‌ای را از سوی سازمان امور مالیاتی و ادارات کل صمت استانی به بهره‌برداران وارد کرده است.

در همین راستا، ابلاغیه اخیر وجهی‌الله جعفری، معاون امور معادن وزارت صمت، بر اساس رأی قطعی شورای عالی معادن (به‌ویژه مصوبه حمایتی شماره ۷۸۲۶۳۳۴)، تلاش کرده است تا با اکتا به تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون معادن، مبنای محاسبه حقوق دولتی برای ماه‌های بحرانی را «میزان استخراج واقعی» قرار دهد، نه «ظرفیت اسمی مندرج در پروانه بهره‌برداری». این تصمیم که با هدف جبران بخشی از خسارات ناشی از تنش‌ها و ناترازی‌های انرژی اتخاذ شده، گامی مثبت اما ناکافی به شمار می‌رود.

چالش اصلی در مقام اجرا رخ مینماید؛ جایی که شکاف عمیقی میان دستورالعمل‌های ستادی در تهران و رفتار ممیزان استانی وجود دارد. در بسیاری از استان‌های معدنی، ادارات کل به دلیل الزام برای تحقق سهمیه درآمدی ابلاغ‌شده از سوی سازمان برنامه و بودجه، عملاً از پذیرش دفاتر قانونی و مستندات کاهش استخراج واقعی خودداری کرده و مبنای مطالبه را همچنان

بر اساس سقف ظرفیت اسمی و ضرایب حداکثری قرار میدهند. این رفتار اداری، امنیت سرمایه‌گذاری را به خدشه‌دار کرده و جریان نقدینگی واحدهای معدنی را به شدت تحت فشار گذاشته است.

واقعیت تلخ صنت و معدن در سال ۱۴۰۵ این است که تقویم کاری صنایع انرژی‌بر کشور عملاً به ۸ ماه کاهش یافته است. هنوز پیامدهای سنگین ناترازی برق تابستان که طی آن وزارت نیرو بر اساس گزارش‌های رسمی تنها ۶ تا ۱۵ درصد دیماند قراردادی بسیاری از صنایع فولادی و معدنی را تأمین میکرد فروکش نکرده که گزارش‌های فنی حاکی از ورود به دوره افت فشار و ناترازی شدید گاز هستند.

طبق هشدارهای اخیر مدیران ارشد زنجیره آهن و فولاد (از جمله اظهارات مدیران فولاد هرمزگان و انجمن تولیدکنندگان فولاد)، امسال افت فشار شبکه سراسری گاز زودتر از سنوات گذشته خود را نشان داده است در حالی که در سال‌های گذشته محدودیت‌های گازی از اواخر آبان یا آذرماه کلید می‌خورد، پیش‌بینیه‌ها نشان میدهد که از نیمه مهرماه ۱۴۰۵، تحویل گاز به واحدهای اجای مستقیم (تولیدکنندگان آهن اسفنجی) و کوره‌های ذوب تا سطح ۵۰ الی ۷۰ درصد محدود خواهد شد.

این بدان معناست که یک واحد فولادی یا فراوری معدنی در فصل گرم سال، حداقل ۶۰ روز با قطعی و افت ولتاژ برق روبه‌رو است.

در فصل سرد سال، حداقل ۶۰ تا ۷۵ روز با قطع یا افت شدید فشار گاز مواجه میشود.

تحمیل توقف ۴ ماهه به خطوط تولیدی که ماهیت پیوسته (Continuous Process) دارند، صرفاً به معنای کاهش تناژ تولید نیست بلکه استهلاک شدید نسوز کوره‌ها، شوک‌های حرارتی به تجهیزات، افزایش ضایعات، افت بهره‌وری نیروی کار و افزایش نجومی



هزینه سربار به ازای هر تن محصول را به همراه دارد. قرار میدهند. این رفتار اداری، امنیت سرمایه‌گذاری را به خدشه‌دار کرده و جریان نقدینگی واحدهای معدنی را به شدت تحت فشار گذاشته است.

واقعیت تلخ صنت و معدن در سال ۱۴۰۵ این است که تقویم کاری صنایع انرژی‌بر کشور عملاً به ۸ ماه کاهش یافته است.

هنوز پیامدهای سنگین ناترازی برق تابستان که طی آن وزارت نیرو بر اساس گزارش‌های رسمی تنها ۶ تا ۱۵ درصد دیماند قراردادی بسیاری از صنایع فولادی و معدنی را تأمین میکرد فروکش نکرده که گزارش‌های فنی حاکی از ورود به دوره افت فشار و ناترازی شدید گاز هستند.

طبق هشدارهای اخیر مدیران ارشد زنجیره آهن و فولاد (از جمله اظهارات مدیران فولاد هرمزگان و انجمن تولیدکنندگان فولاد)، امسال افت فشار شبکه سراسری گاز زودتر از سنوات گذشته خود را نشان داده است در حالی که در سال‌های گذشته محدودیت‌های گازی از اواخر آبان یا آذرماه کلید می‌خورد، پیش‌بینیه‌ها نشان میدهد که از نیمه مهرماه ۱۴۰۵، تحویل گاز به واحدهای اجای مستقیم (تولیدکنندگان آهن اسفنجی) و کوره‌های ذوب تا سطح ۵۰ الی ۷۰ درصد محدود خواهد شد.

این بدان معناست که یک واحد فولادی یا فراوری معدنی در فصل گرم سال، حداقل ۶۰ روز با قطعی و افت ولتاژ برق روبه‌رو است.

در فصل سرد سال، حداقل ۶۰ تا ۷۵ روز با قطع یا افت شدید فشار گاز مواجه میشود.

تحمیل توقف ۴ ماهه به خطوط تولیدی که ماهیت پیوسته (Continuous Process) دارند، صرفاً به معنای کاهش تناژ تولید نیست بلکه استهلاک شدید نسوز کوره‌ها، شوک‌های حرارتی به تجهیزات، افزایش ضایعات، افت بهره‌وری نیروی کار و افزایش نجومی

در حالی‌که ابلاغیه‌های جدید وزارت صمت از تسویه حقوق دولتی بر مبنای استخراج واقعی خبر میدهند، فشار بودجه‌ای ۶۸ همتی و آغاز زودهنگام محدودیت‌های گاز از مهرماه، حیات اقتصادی معادن و زنجیره فولاد را در منگنه رکود تورمی قرار داده است

جاده‌ای، محیط‌زیست و توسعه محلی عملاً ناچیز و نزدیک به صفر است.

این نابرابری در بازتوزیع به شکل‌گیری تعارضات شدید اجتماعی میان جوامع بومی و بنگاه‌های معدنی انجامیده است به طوری که معدن‌کاران هم عوارض سنگین دولتی را می‌پردازند و هم از سوی مردم بومی به دلیل تخریب زیرساخت‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند، بی آنکه دولت سهم عمرانی منطقه را از محل مبالغ دریافتی پرداخت کند.

صنت و معدن ایران در نقطه عطفی قرار گرفته است که دیگر ادامه سیاست‌های درآمدی یک‌طرفه در آن امکان‌پذیر نیست. نمیتوان بخش معدن را پیش‌ران رشد اقتصادی و جایگزین درآمدهای نفتی دانست، اما در زمان توزیع انرژی آن را در انتهای صف اولویت‌ها قرار داد و در زمان اخذ مالیات و عوارض در صدر جدول نشاند.

برای عبور از این بحران و جلوگیری از توقف چرخ‌های تولید در پاییز و زمستان پیش‌رو، وزارت صمت باید فرمول حقوق دولتی را به‌طور مستقیم به ساعات قطعی انرژی متصل کند به گونه‌ای که به ازای هر روز قطعی اجباری گاز یا برق، درصد مشخصی تخفیف یا معافیت قطعی در ضرایب حقوق دولتی اعمال شود.

سامانه‌های الکترونیکی ثبت آمار استخراج و بارنامه‌های برخط باید به عنوان تنها سند قطعی استخراج واقعی پذیرفته شوند و مداخله ممیزان برای وصول مبالغ بر پایه ظرفیت اسمی متوقف گردد.

دولت به جای وضع عوارض‌های صادراتی متعدد، باید مشوق‌های گمرکی و مالیاتی برای صنایعی در نظر بگیرد که اقدام به احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر یا سرمایه‌گذاری در طرح‌های ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز (SNG و LNG) میکنند.

پیش‌بینی‌پذیری، رکن رکین اقتصاد معدن است. تغییر مداوم فرمول‌ها، ضرایب قیمت پایه در بورس کالا و تعرفه‌های حقوق دولتی، انگیزه توسعه را در صنعتی که دوره بازگشت سرمایه بلندمدت دارد به کلی می‌سوزاند.

جهان اقتصاد

آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در سایت جهان اقتصاد دنبال کنید

WWW.JAHAN EGHTESAD.COM

تکمیل زنجیره فولاد در سنگان؛ حلقه آهن اسفنجی نباید مفقود بماند

منطقه سنگان امروز یکی از مهم‌ترین قطب‌های معدنی و فولادی کشور است؛ منطقه‌ای برخوردار از ذخایر عظیم سنگ‌آهن که در کنار ظرفیت‌های ایجادشده در تولید کنسائتره و گندله، بستر مناسبی برای حرکت به سمت تکمیل زنجیره ارزش فولاد دارد.

فولاد سنگان با برخورداری از زیرساخت‌های تولید کنسائتره و گندله، اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که توسعه حلقه بعدی زنجیره، یعنی احداث کارخانه آهن اسفنجی می‌تواند یک گام راهبردی و اقتصادی باشد. تبدیل گندله به آهن اسفنجی به معنای حرکت از فروش محصول میانی به سمت محصولی با ارزش افزوده بالاتر است؛ مسیری که علاوه بر افزایش سودآوری و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، می‌تواند مزیت حضور در کنار معدن و واحدهای فراوری را بیش از گذشته به یک مزیت اقتصادی تبدیل کند.

وقتی ماده اولیه، کنسائتره و گندله در همین منطقه تولید می‌شود، توسعه ظرفیت آهن اسفنجی می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک زنجیره منسجم‌تر و اقتصادی‌تر را

منطقه سنگان امروز یکی از مهم‌ترین قطب‌های معدنی و فولادی کشور است؛ منطقه‌ای برخوردار از ذخایر عظیم سنگ‌آهن که در کنار ظرفیت‌های ایجادشده در تولید کنسائتره و گندله، بستر مناسبی برای حرکت به سمت تکمیل زنجیره ارزش فولاد دارد.

فولاد سنگان با برخورداری از زیرساخت‌های تولید کنسائتره و گندله، اکنون در نقطه‌ای قرار گرفته که توسعه حلقه بعدی زنجیره، یعنی احداث کارخانه آهن اسفنجی می‌تواند یک گام راهبردی و اقتصادی باشد. تبدیل گندله به آهن اسفنجی به معنای حرکت از فروش محصول میانی به سمت محصولی با ارزش افزوده بالاتر است؛ مسیری که علاوه بر افزایش سودآوری و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، می‌تواند مزیت حضور در کنار معدن و واحدهای فراوری را بیش از گذشته به یک مزیت اقتصادی تبدیل کند.

وقتی ماده اولیه، کنسائتره و گندله در همین منطقه تولید می‌شود، توسعه ظرفیت آهن اسفنجی می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک زنجیره منسجم‌تر و اقتصادی‌تر را

مذاکره ایران با افغانستان در خصوص معادن سنگ آهن

معدن خریداری‌شده در گینه مهای سرمایه‌گذاری می‌شود

عاون وزیر صمت از مذاکرات دولت با برخی از کشورها در راستای استفاده از ذخایر معدنی آنها خبر داد و گفت: مذاکراتی توسط دولت با این کشورها شده تا ما بتوانیم بخش خصوصی را وارد کنیم و با ارزش افزوده‌ای که به سمت معامله سود-سود یا برد-برد دو طرف باشد از این معادن بهره بگیریم.

سمعی‌نژاد افزود: بسیاری از کشورها همانند کشور ما قصد دارند که مواد معدنی کشور خود را به ارزش افزوده تبدیل کرده و سپس به فروش برسانند، اما قرار گرفتن معادن در برخی از نقاط سوق‌الجیشی، اجازه نمی‌دهد که این کشورها در راستای این کار، سرمایه‌گذاری‌های کلان انجام دهند، لذا ما بخش خصوصی را وارد می‌کنیم که با هماهنگی سیاست‌های وزارت معادن کشور،های مقصد بتوانیم یک سرمایه‌گذاری مشترک در راستای توسعه زیرساختی و فراوری مواد معدنی داشته باشیم تا بخشی از آن را در راستای توسعه زنجیره مواد معدنی که در آینده کسری داریم، به کار بگیریم.

مذاکرات ایران با افغانستان در مورد معادن سنگ آهن است معاون وزیر صمت در مورد مذاکرات ایران با کشورهای همسایه که مذاکراتی با کشورهای همسایه انجام شده تا با هماهنگی وزارت معادن کشور،های مقصد بتوانیم یک سرمایه‌گذاری مشترک در راستای توسعه زیرساختی و فراوری مواد معدنی داشته باشیم تا بخشی از آن را در راستای توسعه زنجیره مواد معدنی که در آینده کسری داریم، به کار بگیریم.

معاون وزیر صمت با بیان اینکه مذاکراتی با کشورهای همسایه انجام شده تا با هماهنگی وزارت معادن کشور،های مقصد بتوانیم یک سرمایه‌گذاری مشترک در راستای توسعه زیرساختی و فراوری مواد معدنی داشته باشیم، گفت: به بخش خصوصی کمک می‌کنیم تا برای تأمین مواد اولیه‌اش در معدن گینه که دست ایران و به طور مشترک با دولت گینه است، سرمایه‌گذاری کند. محمدمسعود سمعی‌نژاد، معاون وزیر صمت با اشاره به توسعه زنجیره معدن در کشور، گفت: طبق سیاست‌های اصل ۴۴ در راستای تأمین مواد اولیه در زنجیره صنایع معدنی کشور، بخشی از سرمایه‌گذاری باید توسط بخش خصوصی انجام شود و دولت نمی‌تواند سرمایه‌گذاری کند، لذا ما تشویق می‌کنیم که بخش خصوصی وارد سرمایه‌گذاری روی معادن بخشی از کشورهایی شود که به‌ویژه در همسایگی ایران هستند و معادن آنها از ذخایر غنی در زنجیره صنایع معدنی برخوردار است، اما هنوز اکتشاف نشده است.

معماله برد-برد با سرمایه‌گذاری مشترک در معادن کشورهای همسایه

سنگان، یک قدم تا زنجیره کامل فولاد

وقتی همه اجزا در اختیار است، حلقه آهن اسفنجی هم باید در سنگان تکمیل شود

زنجیره فعلی تولید در سنگان

حلقه مفقوده

فولاد

محصول نهایی با ارزش افزوده بالا

آهن اسفنجی

حلقه کلیدی برای تکمیل زنجیره

گندله

تأمین پایدار مواد کوبیده

کنسائتره

ظرفیت تولید بالا و زیرساخت‌های موجود

سنگ آهن

یکی از بزرگ‌ترین ذخایر سنگ آهن کشور

چرا احداث کارخانه آهن اسفنجی در سنگان ضرورت دارد؟

- توسعه شرق کشور: رونق صنعتی، زیرساختی و اقتصادی منطقه
- اشتغال‌زایی: ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم
- تکمیل زنجیره ارزش: جاوگیری از خروج ارزش افزوده از منطقه
- مقرون به صرفه: استفاده بهینه از زیرساخت‌های موجود
- سودآوری بیشتر: ارزش افزوده بالاتر نسبت به گندله

سنگان می‌تواند از یک قطب معدنی، به یک قطب کامل فولادی در شرق کشور تبدیل شود.

تکمیل زنجیره، توسعه پایدار، آینده روشن‌تر

سنگان: ظرفیت امروز، فرصت فردا

توسعه، از دل ظرفیت‌ها می‌گذرد...

ضرورت فعالیت سکوهای نوآوری

حسین بحرینی – فعال حوزه علم و فناوری

حضور موفق سکوهای نوآوری اجتماعی که تلفیق حمایت‌های نهادهای حامی همچون مؤسسات دانش‌بنیان با ظرفیت نخبگان و فناوری‌های دغدغه‌مند است، می‌تواند جریانی پایدار در مسیر رف محرومیت‌ها و توسعه عدالت اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند. تداوم این مسیر نویدبخش شکوفایی بیشتر طرح‌های اثرگذار و حل چالش‌های کلیدی کشور با تکیه بر نوآوری‌های بومی خواهد بود. در یک نمونه، سکوی نوآوری اجتماعی رعنا، به عنوان زیرشاخه مؤسسه دانش‌بنیان برکت، با سه هدف کلیدی و دستاوردهای چشمگیر در نمایشگاه اینوتکس ۲۰۲۶ حضور یافت و توانست گامی مؤثر در راستای توسعه زیست‌بوم نوآوری اجتماعی کشور بردارد.

برای مثال، سکوی نوآوری اجتماعی رعنا در این نمایشگاه سه هدف عمده را دنبال کرد که با استقبال و نتایج بسیار خوبی همراه بود. در گام نخست، تلاش شد دستاوردهای تیم‌هایی را که در این مدت توانسته‌اند خدمات نوآور نشان‌داده‌شده را به مردم ارائه کنند، معرفی شوند. در این راستا، بیش از ۶ تیم با نفع اجتماعی بیش از ۴۰ میلیارد ریال برای ۴۰۰۰ نفر حضور یافتند تا ضمن ارائه دستاوردهای خود، به فناوریان دیگر کمک کنند تا با گفت و گو و تبادل تجربه، انگیزه‌های پیشرفت را تقویت کرده و مسیرهای رشد را دقیق‌تر ترسیم کنند.

هدف دوم این بود که تیم‌های شرکت‌کننده در رویداد، علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان نمایشگاه و سایر نهادهای حامی، طرح‌ها و نوآوری‌های خود و مجموعه‌های آشنا را در پلتفرم رعنا ثبت کنند تا پس از ارزیابی و کسب امتیاز لازم، از حمایت‌های رعنا بهره‌مند شوند. خوشبختانه تا انتهای روز سوم نمایشگاه، بیش از ۱۰ طرح مستعد برای بررسی دقیق‌تر و ۲۰ طرح نیازمند بهینه‌سازی و انجام تغییرات به منظور خدمت‌رسانی به مستضعین دریافت شد هدف سوم این بود که بیش از ۲۵ مسئله که حاصل تجربیات میدانی و مطالعات صندوق‌های سلامت، آموزش و توانمندسازی، و آب و انرژی است را به فناوریان دغدغه‌مند پیشرفت کشور برسد تا با تکیه بر دانش و تخصص آن‌ها، راه‌حل‌های نوآورانه‌ای برای این چالش‌ها اندیشیده شود. حضور موفق سکوی نوآوری اجتماعی رعنا در اینوتکس ۲۰۲۶ و تحقق این اهداف نشان داد که تلفیق حمایت‌های نهادهای حامی همچون مؤسسه دانش‌بنیان برکت با ظرفیت نخبگان و فناوری‌های دغدغه‌مند، می‌تواند جریانی پایدار در مسیر رف محرومیت‌ها و توسعه عدالت اجتماعی ایجاد کند.

تداوم این مسیر نویدبخش شکوفایی بیشتر طرح‌های اثرگذار و حل چالش‌های کلیدی کشور با تکیه بر نوآوری‌های بومی خواهد بود.

کارت خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹رنگ نوک مدادی متالیک شماره انتظامی ۲۲۱۲۷۷ ایران ۷۹ شماره موتور۳۵۸۸۳۴۶ شماره شاسی۹۱۶۰۴۵S۱۴۱۲۲۸۹۱ متعلق به زهرا تقی لو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

جهان اقتصاد

نخستین روزنامه اقتصادی ایران

آگهی مزایده

خوزستان، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چابی ۹۷۸۲۴۹ سری الف سال ۸۲ که در صفحه ۲۲۹ دفتر املاک جلد ۴۲۹ ذیل شماره ۸۳۲۵۲ ثبت گردیده است.
مورد وثیقه به نشانی: اهواز لشکر روبروی میدان کمبلو بین خیابان نامی و بلوار انقلاب -دفتر خدمات پیشخوان ارزش ملک به مبلغ ۲۳۹/۹۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و سی و نه میلیارد و نهصد و ده میلیون ریال)طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ملک یک واحد تجاری با بالکن محاط به مساحت ۳۰/۶۰ متر مربع و مغازه دارای ارتفاع سه متر و در قسمتی حدود سه و نیم متر غیر همسطح در طبقه همکف کابری تجاری دارای یک بر به طول ۷ متر به خیابان لشکر میباشد کف از سنگ و همکف دارای چیدمان کانتر چوبی و پوشش دیوارها کاذب در بالکن بوسیله ام دی اف و قاب فلزی و شیشه تقسیم فضا شده راه دسترسی از همکف به بالکن از طریق راه پله و نمای مغازه از درب شیشه ای سکوریت و همچنین دارای یک درب از نوع کرکره ای فلزی برقی و ملک دارای امکانات و خدمات رفاهی شهری میباشد.
و در هنگام بازدید مغازه بصورت فعال و با نوع فعالیت دفتر پیشخوان و بنا بر اظهارات شفاهی نماینده مالک ملک در جنوبا: در ۳ قسمت ۱- بطول ۵/۹۵ متر ۲- شرقی است بطول ۱ متر ۳- بطول ۳/۹۰ متر دیواربست اشتراکی با پلاک ۱۱۴۱/۲۷۸۴

موضوع سند رهنی ۷۴۵۹۵ – ۱۳۸۸/۱۰/۲۴ – دفترخانه و سند متمم ۱۸۹۹۷ – ۱۴۱۱/۱۱/۱۶ – دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۷ شهر اهواز استان خوزستان که بانک کشاورزی شعبه اهواز- که در اثر عدم پرداخت بدهی شرکت توسعه فنون خوزستان به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۸۱۴۶۳۲ – فلهک اول کمبلو نیش نامی طبقه اول واحد یک – به بانک کشاورزی منجر بصدر پرونده اجرایی مکاتبزه به شماره فوق الذکر بوده است پس از ابلاغ اجرائیه و قطعیت ارزیابی به بستانکاری بانک کشاورزی ببا شناسه ملی۱۰۱۰۰۸۳۰۱۸۴ – از طریق مزایده به فروش می‌رسد مزایده از ۲۳۹۹/۹۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و سی و نه میلیارد و نهصد و ده میلیون ریال طبق کارشناس رسمی دادگستری) بابت مطالبات بانک کشاورزی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۰۱۸۴

سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت هانی ۱۵۰ مدل ۱۴۰۲ به رنگ زرد

به شماره موتور ۴۰۱۲۱۷ و شماره تنه ۰۳۹۱۹

و شماره انتظامی ۱۶۱۵۴ ایران ۸۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کرمان

جهان اقتصاد گزارش می دهد؛

زمستان سخت دامداری



هر یک از این گزین‌ها نه تنها درآمد تولیدکننده را کاهش می‌دهد، بلکه بر عرضه پایدار گوشت در ماه‌های بعد نیز اثر منفی می‌گذارد. تاکنون جلسات متعددی در سطوح مختلف برگزار شده با موضوع تأمین مالی دامداران بارها مطرح گردیده است. با این حال، توجه عملی و سازکارهای مؤثر برای حل این معضل هنوز شکل نگرفته است. تسهیلات بانکی موجود یا به دلیل شرایط سخت وثیقه و بازپرداخت برای بسیاری از دامداران کوچک و متوسط قابل دسترسی نیست، یا حجم آن با نیاز واقعی بخش همچوانی ندارد. نبود خطوط اعتباری مناسب، تأخیر در پرداخت

هزینه‌های سنگین‌تری مواجه‌اند و فشار نقدینگی بر آن‌ها زودتر احساس می‌شود. نگرانی واقعی از نیمه دوم سال آغاز می‌شود. با پایان فصل چرا و کاهش کیفیت مراتع، وابستگی به نهاده‌های خریداری‌شده به‌سرعت افزایش می‌یابد. در این مقطع، تولیدکننده ناگزیر است حجم قابل‌توجهی جو، ذرت و کنجاله را تأمین کند تا وزن‌گیری دام‌ها حفظ شود و تلفات به حداقل برسد.

اگر منابع مالی کافی در اختیار نباشد، دامدار مجبور می‌شود یا از کیفیت جیره بکاهد، یا دام را زودتر و با وزن کمتر به بازار عرضه کند، یا حتی بخشی از گله را به فروش اضطراری برساند. رژیم صهیونیستی در دستیابی به اهداف خود در جریان جنگ‌های سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، دامنه فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران به حوزه هوانوردی غیرنظامی نیز گسترش یافته و در هشتم سپتامبر ۲۰۲۶ تمامی شرکت‌های هواپیمایی ایران هدف تحریم قرار گرفته‌اند. رئیس سازمان هواپیمایی کشوری تأکید کرد: چنین اقداماتی با اهداف و اصول صریح مندرج در مقدمه کنوانسیون هوانوردی بین‌المللی (کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴) مغایرت دارد؛ مقدمه ای که توسعه آتی هوانوردی بین‌المللی را عاملی مؤثر در ایجاد و حفظ دوستی و تفاهم میان ملت‌ها و مردم جهان می‌داند؛ سوءاستفاده از هوانوردی غیرنظامی می تواند به تهدیدی علیه امنیت

عمومی تبدیل شود. وی تحریم‌های اعمال‌شده علیه هوانوردی ایران را مانعی جدی در مسیر تحقق هدف محوری برنامه راهبردی ایکائو برای سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۵۰، یعنی «هیچ کشوری عقب نماند» (No Coun-try Left Behind)، دانست و گفت: میان این هدف راهبردی و واقعیت موجود در کشورهایی که با تحریم مواجه هستند، شکاف قابل توجهی وجود دارد. شیرویدی ادامه داد: تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که در طول سال‌های اعمال تحریم، اقدام مؤثر و متناسبی از سوی ایکائو برای حمایت از توسعه هوانوردی یا حفظ حداقل ظرفیت‌های لازم برای تاب‌آوری صنعت هوانوردی ایران صورت نگرفته و این صنعت عمدتاً با اتکا

مطالبات و محدودیت‌های سیستم بانکی، همگی به تشدید این مشکل کمک کرده‌اند. در نتیجه، تولیدکننده که باید در نیمه دوم سال بیشترین هزینه را متحمل شود، عملاً بدون پشتوانه مالی کافی رها شده است.

این وضعیت در حالی ادامه دارد که طرف دیگر بازار، یعنی مصرف‌کننده، نیز توان خرید محدودی دارد. بخش عمده خانوارها هنوز قدرت خرید گوشت قرمز را در سطح مطلوب ندارند و افزایش قیمت‌ها می‌تواند تقاضا را بیشتر تضعیف کند. اگر تولیدکننده به دلیل کمبود نقدینگی مجبور به کاهش تولید یا عرضه اجباری شود، بازار در میان‌مدت با نوسان عرضه روبه‌رو خواهد شد و این نوسان می‌تواند فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد کند.

از سوی دیگر، اگر قیمت‌ها به دلیل حمایت‌های ناقص یا کمبود عرضه بالا برود، مصرف‌کننده نهایی آسیب می‌بیند و چرخه رکود تقاضا تشدید می‌شود.

بنابراین، مشکل اصلی نه در کمبود نهاده در انبارها، بلکه در نبود سازوکارهای مالی کارآمد برای انتقال این نهاده به دست تولیدکننده است.

تا زمانی که منابع مالی به‌موقع و با شرایط منطقی در اختیار دامداران قرار نگیرد، حتی وجود نهاده کافی نیز نمی‌تواند پایداری تولید را تضمین کند. نیمه دوم سال نزدیک است و فرصت برای اقدام عملی محدود. اگر سیاست‌گذاران و نهادهای مالی همچنان به برگزاری جلسات اکتفا کنند و راه‌حل‌های اجرایی ارائه ندهند، فشار هزینه‌ای بر دوش دامداران سنگین‌تر خواهد شد و پیامدهای آن در بازار گوشت و سفره خانوارها نمایان می‌گردد. تأمین مالی هدفمند و به‌موقع، اکنون مهم‌ترین حلقه مفقوده برای حفظ تعادل در این بخش است.

هوانوردی غیر نظامی نباید ابزار فشار سیاسی و اقتصادی قرار گیرد

به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی به فعالیت ایمن خود ادامه داده است. وی با تأکید بر پیوستگی شبکه هوانوردی بین‌المللی تصریح کرد: همه ما در یک سیاره زندگی می‌کنیم و در زیر یک آسمان پرواز می‌کنیم.

ماون وزیر راه و شهرسازی یادآور شد: حملات نظامی علیه بخش هوانوردی غیرنظامی ایران، در کنار تحریم‌های یکجانبه، با ایجاد محدودیت در فضای هوایی، اختلال در عملیات پروازی، افزایش تغییر مسیر پروازها و هزینه‌های عملیاتی و همچنین تضعیف دسترسی به تجهیزات و خدمات ضروری هوانوردی، پیامدهایی فراتر از مرزهای ایران برای هوانوردی منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۵۷/۲۰۹۰۱۰۰۸۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۲۰/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مظاهر رسولی به شناسنامه شماره ۷۰۶ کدملی ۶۱۵۸۸۷۳۵۱ فرزند اصغر در ششدانگ یک باب دامداری به مساحت ۵۵۴.۱۷ متر مربع پلاک فشار فرعی از ۹۳ اصلی واقع در روستای مهدی آباد قزوین بخش ۸ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین (مبايعه نامه عادی خریداری از ابوالفضل برگزگرمحمدی فرزند زارع صاحب نسق حجت اله برگزگرمحمدی دارای سند مالکیت مشاعی شماره ۴۲۲۳ مورخ ۱۳۴۹/۹/۱۷دفترخانه ۱۷ قزوین) تأیید گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۳

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۰۸

سید محمود حسینی – رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی ابلاغ تصمیم عدم افراز

در خصوص درخواست افراز سهام مشاعی خانم فروزان علیمردانی از ششدانگ پلاک ۲۹۴۹فرعی از ۱۵ اصلی بخش ۲۵ نیشابور چون شهرداری منطقه یک نیشابور بموجب نامه شماره ۵۸۹۴-۱۴۰۵/۵/۱۷ اعلام نموده با توجه به ضوابط و مقررات شهرسازی امکان افراز ملک فوق مقدور نمی باشد، تصمیم به رد تقاضای خواهان صادر می گردد.لذا بدین وسیله به فروغ علیمردانی و سایر افراد ذینفع ابلاغ می شود تا چنانچه نسبت به تصمیم صادر شده معترض می باشند باستناد ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ انتشار این آگهی طرف مدت ۱۰روز اعتراض خود را به دادگاه شهرستان تسلیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند.

م ف ۱۴۰۵/۱۴/۶

محمد بیرم آبادی _ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۵۶/۲۰۹۰۱۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۵۶/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملارد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای ایمان مرادی فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۵۲۰۱۱۲۷۷۰ شماره ۸۸ صادره از پلاک ۱۵۴۴ فرعی از ۸۴ اصلی واقع در ملارد بدینگونه صحت کابیل ۴ جنب کادوری رضا آقاخانن خریداری از مالک رسمی آقای موسی بیات مجرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۳ – نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۲۴

محمدرضا لطفی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۵۶/۲۰۹۰۱۰۰۸۵۰ مورخ ۱۴۰۵/۵۶/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملارد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای پارسا نوری فرزند رجب بشماره شناسنامه ۹۸ صادره از پلاک ۲۷ فرعی از ۸۲ اصلی واقع در ملارد لم آباد عرگستانل کتاوروز به مساحت ۸۹۹ متر مربع از پلاک ۲۷ فرعی از ۸۲ اصلی واقع در ملارد لم آباد عرگستانل کتاوروز به مساحت ۲۶ متر خریداری از مالک رسمی آقای حسین بیات مجرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۳ – نوبت دوم: ۱۴۰۵/۶/۲۴

محمدرضا لطفی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۵۶/۲۰۹۰۱۰۰۸۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۵۶/۱۷ پرونده کلاسه ۱۴۰۵/۵۶/۲۰۹۰۱۰۰۲۹۴۱ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مرتضی نعمتی به شناسنامه شماره ۱۹۴ کدملی ۵۹۰۹۱۸۰۰۸ صادره قزوین فرزند قربانعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۹۲۴۸ متر مربع پلاک شماره ۵۱ اصلی واقع در اراضی روستای زرشک قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأیید مبايعه نامه عادی خریداری با واسطه از مالکیت آقای عبدالله خلیلی گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره ادره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۳

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۰۸

سید محمود حسینی رئیس ثبت اسناد و املاک

تأمین برق فصل سرد نیازمند مدیریت مصرف و سوخت جایگزین

معاون برق و انرژی وزارت نیرو با اشاره به پایان خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده گفت: آثار اجرای این برنامه به‌صورت محسوس قابل مشاهده است؛ با این حال، با توجه به کاهش گاز تحویلی به نیروگاه‌ها، تأمین برق در فصل سرد نیازمند مدیریت مصرف و استفاده از سوخت جایگزین خواهد بود.

مصطفی رجبی مشهدی – معاون برق و انرژی وزارت نیرو در گفت‌وگو با ایسنا، در پاسخ به سوالی درباره پایان خاموشی‌ها اظهار کرد: وزیر نیرو این موضوع را اعلام کرده و انجام شده و شما هم به صورت محسوس آن را احساس می کنید.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو درباره برنامه تأمین برق در پاییز و زمستان اظهار کرد: ذخیره‌سازی سوخت خوبی انجام داده‌ایم، اما به هر حال امسال سال مشکلی است؛ چراکه شرکت ملی گاز ایران حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب گاز کمتری برای توزیع در نیروگاه‌های کشور در اختیار دارد و باید از سوخت جایگزین، یعنی سوخت مایع، استفاده کنیم.

وی افزود: قطعاً با تأمین مناسب سوخت نیروگاه‌ها، مشکلات کمتر خواهد بود، اما به هر حال در زمینه تأمین برق سال سختی داریم.

توزیع رایگان سی‌ان‌جی؛ مشوق تحول‌آفرین یا مُسکن شکننده ناترازی بنزین؟

پوش توزیع رایگان سی‌ان‌جی گرچه مصرف روزانه بنزین را تا ۳ میلیون لیتر کاهش داد، اما بدون نوسازی مخازن و اصلاح سبد سوخت، راهکاری کوتاه‌مدت است.

افزایش شتابان مصرف بنزین در سراسر کشور و عبور تقاضای روزانه از مرز ۱۳۵ میلیون لیتر در روزهای اوج تردد، سیاست‌گذار کلان بخش انرژی را با یکی از پیچیده‌ترین معماهای اقتصادی سال‌های اخیر روبه‌رو کرده است؛ وضعیتی شکننده که با برهم زدن تراز تولید و مصرف پالایشگاهی، موجب شکل‌گیری ناترازی سنگین بنزین و تحمیل هزینه‌های گزاف ارزی جهت تأمین کسری فرآورده از مبادی وارداتی شده است.

در چنین تنگای فزاینده‌ای، اجرای پوشش ملی عرضه رایگان سوخت گاز طبیعی فشرده (CNG) در صدها جایگاه سوخت کشور با هم‌افزایی بخش صنفی و نهادهای توزیمی کلید خورد تا بخشی از تقاضای متراکم بنزین را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سمت شبکه گاز شهری متمایل سازد. این ابتکار در گام‌های اولیه موفق شد نگاه بخشی از رانندگان را بار دیگر به سمت سوخت پاک و بومی معطوف کند، اما تحلیل‌های فنی و ریشه‌ای حاکی از آن است که این دست اقدامات بدون آسیب‌شناسی ساختاری و بسترسازی پایدار، تنها در قامت یک مُسکن موقت عمل می‌کنند و از درمان قطعی بیماری بازمی‌مانند.

ایران از حیث توسعه فیزیکی شبکه سوخت‌های جایگزین، یکی از کامل‌ترین زیرساخت‌های خاورمیانه را در اختیار دارد؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۲۵۰۰ جایگاه فعال گاز با توان اسمی توزیع بیش از ۴۰ میلیون مترمکعب در شبانه‌روز ایجاد شده، اما حجم واقعی مصرف روزانه ناوگان در سال‌های اخیر در محدوده ۱۵ تا ۱۸ میلیون مترمکعب متوقف مانده و بیش از ۶۰ درصد از سرمایه‌گذاری ملی در این بخش بدون استفاده رها شده است.

رضا نیکزاد، کارشناس حوزه انرژی با تشریح وضعیت این پوشش تأکید می‌کند که طرح عرضه رایگان در جایگاه‌های داوطلب توانست ظرف مدتی کوتاه مصرف روزانه گاز را بین ۲ تا ۳ میلیون مترمکعب بالا برده و به همین اندازه از بار فشار کسری روزانه بنزین بکاهد؛ زیرا ظرفیت خالی جایگاه‌ها معادل بیش از ۲۲ میلیون لیتر بنزین در روز است و در صورت پر شدن، قادر است بدون حتی یک ریال سرمایه‌گذاری جدید برای توسعه تأسیسات پالایشگاهی، تراز سوخت کشور را متعادل سازد، هرچند که کشش تقاضا با معایفت‌های موقت قیمتی در طولانی‌مدت تثبیت نمی‌شود و رفتارهای سوخت‌گیری به پشتوانه‌های اقتصادی باثبات‌تری نیازمندند.

مسئله بنیادین دیگر به گره کور نوسازی ناوگان دوگانه‌سوز مربوط است؛ جایی که از میان حدود ۴.۵ میلیون خودروی گازسوز فعال در چرخه حمل‌ونقل، نزدیک به یک میلیون دستگاه به سبب سرآمن عمر مفید مخازن، رد شدن در آزمون‌های ایواری معاینه فنی یا نبود استانداردهای ایمنی، عملاً از چرخه مصرف گاز کنار رفته و مصرف خود را به بنزین منتقل کرده‌اند. هزینه انجام بازرسی‌های فنی هیدروستاتیک و به‌مهر تر آن، هزینه سرام‌آور تمویض مخزن فرسوده که این روزها به ارقام سنگین چند ده میلیون تومانی می‌رسد،

بار مالی نامتناهیی را بر دوش راننده قرار می‌دهد، به‌خصوص در بستری که قیمت رسمی بنزین یارانه‌ای و آزاد تحت تأثیر سال‌ها تورم بالا، نسبت به هزینه‌های نگهداری قطعات فنی خودرو بسیار ارزان برآورد می‌شود و در نتیجه، صرفه‌جویی ناچیز ناشی از سوخت‌گیری رایگان در چند نوبت نمی‌تواند هزینه تمویض مخزن را جبران کند و تمایل مصرف‌کننده را به ماندگاری در این چرخه افزایش دهد.

ضلع سوم این معادله پیچیده به افت فشار فصلی گاز سراسری در ماه‌های سرد سال و نحوه تعامل مالی با مالکان جایگاه‌ها گره خورده است. با آنکه سهم مصرف کل ناوگان گازسوز کشور کمتر از ۲ درصد کل گاز طبیعی تصفیه‌شده در شبکه ملی است، اما با آغاز سرمای زمستان و اولویت‌یافتن مصارف خانگی، کمپرسورهای جایگاه‌های سی‌ان‌جی غالباً جزو بخش‌های نخستین در اعمال محدودیت یا قطع موقت قرار می‌گیرند و همین رفتار، اعتماد عمومی ناوگان حمل‌ونقل خدماتی و عمومی را به اطمینان‌پذیری این سوخت تضعیف می‌کند. هم‌زمان، اتکای معیشت اقتصادی جایگاه‌داران به نظام کارمزد و حق‌العمل‌کاری سبب می‌شود که هرگونه توزیع یارانه‌ای بدون پیش‌بینی خطوط اعتباری نقدی و به‌موقع از سوی دولت برای جبران بهای بالای برق و استهلاک قطعات گران‌قیمت کمپرسورها، زنجیره توزیع خصوصی را با بحران نقدینگی مواجه کرده و نگهداری استاندارد تجهیزات پرفشار را به مخاطره اندازد.

بر همین اساس، برای آنکه طرح‌هایی مانند توزیع رایگان سی‌ان‌جی از یک تب‌وتاب کوتاه‌مدت فراتر رفته و به یک راهبرد دائمی برای کنترل مصرف افسارگسیخته بنزین بدل گردند، بازطراحی بسته‌های حمایتی امری اجتناب‌ناپذیر است. تخصیص اعتبارات هدفمند از محل منابع صرفه‌جویی تبصره‌های بودجه و ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید برای اعطای وام‌های کم‌بهره تمویض مخازن به خودروهای پرتردد مانند تاکسی‌ها و وانت‌بارها، الزام خودروسازان داخلی به تولید تجاری پیش‌رانه‌های پایه گازسوز پربازده به‌جای کیت‌های تبدیل سنتی و همچنین مصوبیت‌بخشی به ایستگاه‌های سوخت گاز از خاموشی‌های زمستانه، حلقه‌های تکمیلی این اصلاح به شمار می‌روند.



در حالی که جهان به سمت گذار از سوخت‌های فسیلی و مدیریت هوشمندانه منابع حرکت می‌کند، ایران در یک مسیر معکوس و نگران‌کننده گام برمی‌دارد. آمارهای اخیر از دل گزارش‌های تخصصی حوزه انرژی، حکایت از واقعبیت تلخی دارند: ایران نه تنها در صف مصرف‌کنندگان بزرگ قرار دارد، بلکه در میان تنها ۶ کشور جهان است که «شدت مصرف انرژی» در آن‌ها روند افزایشی داشته است. این یعنی ما نه تنها بیشتر مصرف می‌کنیم، بلکه هر واحد تولید یا رفاه، هزینه‌ی انرژی بسیار سنگین‌تری نسبت به استانداردهای جهانی برای ما به همراه دارد.

بسیاری ممکن است «شدت مصرف» را با «میزان مصرف کل» اشتباه بگیرند، اما تفاوت این دو در جایی است که نبوغ اقتصادی نهفته است. شدت مصرف یعنی برای رسیدن به یک سطح مشخص از زندگی یا تولید، ما چقدر بیشتر از یک کشور هم‌سطح خود، انرژی هدر می‌دهیم؟ وقتی صحبت از بررسی ۲۰ ساله ۱۷۰ کشور جهان می‌شود و ایران در صدر این لیست قرار می‌گیرد، یعنی ما با یک «ثشت اقتصادی» عظیم روبرو هستیم. این شدت مصرف، زنگ خطری است برای امنیت انرژی ملی؛ چرا که هرگونه شوک در عرضه (به دلیل تحریم یا نوسانات جهانی) می‌تواند سیستم‌های داخلی را با سرعت بیشتری از کار بیندازد.

یکی از راهکارهای فرضی برای جبران کمبود، واردات یا

«جهان اقتصاد» گزارش می دهد

نگرانی از معمای انرژی



با کمبود مواجه شویم و یا با قیمت‌های غیرقابل‌تحمل برای بخش خانگی و صنعتی.

بخش بزرگی از این بحران، فراتر از رفتار مصرف‌کننده است؛ ریشه‌ها در زیرساخت‌ها و تجهیزات تولیدی نهفته است. تصور کنید در خانه‌هایی زندگی می‌کنیم که میلیون‌ها دستگاه بخاری با رانندمان پایین (زیر ۸۵ درصد) در آن‌ها فعال است. این یعنی بخش بزرگی از انرژی که توسط نیروگاه‌ها و میدان‌های گازی تولید شده، پیش از آنکه حتی به گرم کردن محیط کمک کند، در فرآیند احتراقی و دفع از دست می‌رود.

اگرچه برنامه‌هایی برای جایگزینی تجهیزات با راندمان بالا

ترانزیت گاز است؛ اما اینجا با یک تضاد ریاضی روبرو هستیم. قیمت جهانی گاز و هزینه‌های لجستیک انتقال در منطقه، با قیمت‌های یارانه‌ای و سوبسیدشده‌ی داخلی همخوانی ندارد. تحلیلگران معتقدند اگر بخواهیم گاز را برای جبران کمبود داخلی وارد کنیم، قیمت تمام‌شده‌ی آن برای مصرف‌کننده داخلی به شدت بالا خواهد رفت و این یعنی شکست در فرمول اقتصادی انرژی. از سوی دیگر، ظرفیت ترانزیت در منطقه نیز محدود است و نمی‌توان به حالتی تکیه کرد که در آن، گاز در دسترس منطقه، برای تأمین نیاز داخلی ما کافی نباشد. در واقع، ما در یک «تله قیمتی» گرفتار شده‌ایم؛ با باید

وزیر نیرو با اشاره به کاهش قابل توجه مصرف برق در سال جاری، گفت: امسال تلاش کردیم کاهش مصرف به قیمت افت کیفیت برق تمام نشود و با مدیریت دقیق‌تر شبکه، برق با کیفیت و در سطح قابل قبول در اختیار مردم قرار گیرد.

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو در نشست شورای سیاستگذاری پوشش ۲۵درجه، قرار همدلی با قدردانی از همراهی مردم در مدیریت مصرف انرژی، اظهار کرد: هر چیزی که به مردم گفته‌ایم، نتیجه ارتباط درست، توضیح برنامه‌ها و همراهی مردم بوده است و باید از این همراهی تشکر کرد.

وی با اشاره به نقش گزارش‌های مردمی در شناسایی تخلفات، اظهار کرد: درست است که برای برخی گزارش‌ها جایزه در نظر گرفته‌ایم، اما بخش قابل توجهی از کشفیات ما ناشی از گزارش‌های مردمی و همراهی ملت است و از مردم باید این همکاری تشکر می‌کنم.

وزیر نیرو با بیان اینکه همراهی مردم یکی از عوامل مؤثر در کاهش مصرف انرژی بوده است، افزود: شاید باور نکنیم، اما یکی از دلایل کاهش مصرف همین همراهی مردم بوده است. برنامه‌های سراسری در سراسر کشور نیز در این زمینه اجرا شد و آثار قابل توجهی به همراه داشت. این موفقیت زمانی حاصل شد که تمرکز مناسبی بر بهبود شرایط اقتصادی و مدیریت مصرف وجود داشت و مردم نیز بدون ایجاد نگرانی، همراهی قابل توجهی با برنامه‌ها داشتند.

علی‌آبادی ادامه داد: در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴ کاهش قابل

کاهش مصرف برق بدون افت کیفیت خدمات

توجهی در مصرف داشته‌ایم که اثر این کاهش حدود ۶ میلیارد یورو بر زندگی و اقتصاد مردم خواهد بود. این اعداد، اعداد کوچکی نیستند و نشان‌دهنده اهمیت مدیریت مصرف هستند.

وی همچنین با اشاره به آثار مدیریت مصرف در بخش‌های مختلف، گفت: اتفاقات خوبی در زمینه کاهش مصرف و آثار آن بر شبکه رخ داده و این موضوع در بخش‌های مختلف از جمله صنعت و کشاورزی نیز مورد توجه قرار گرفته است. امسال به هیچ عنوان کیفیت برق را فدای کاهش مصرف نکردیم و با تجهیزاتی که در اختیار داشتیم، تلاش کردیم با دقت بیشتری شبکه را مدیریت کنیم.

وزیر نیرو با تأکید بر اهمیت استمرار این روند، خاطرنشان کرد: کاهش مصرف به معنای کاهش کیفیت خدمات نیست و تلاش ما این بوده است که برق با کیفیت و در سطح قابل قبول، در اختیار مردم قرار گیرد. باید از همه‌همکاران و مردم که در این مسیر همراهی کردند، تشکر کرد و امیدواریم این روند بتواند آثار بیشتری در اقتصاد و زندگی مردم داشته باشد در ادامه این مراسم، مصطفی رجبی مشهدی معاون برق و انرژی وزارت نیرو اظهار کرد: پوشش ۲۵ درجه که ذیل مگاپروژه‌های وزارت نیرو بود، به خوبی اجرا شد و تأثیرات خوبی را در پی داشت، اما برای زمستان پیش رو نیز باید طرحی نوآرانه اجرایی شود.

وی با اشاره به پایداری شبکه برق کشور، تصریح کرد: ۳ کشور همزمان با اشاره به پایداری خاموشی سراسری شدند، ولی یکی از افتخارات کشور در صنعت برق این است که ۲۳ سال بدون خاموشی سراسری سپری شده

ضرورت توسعه کارور گاز برای عبور از ناترازی انرژی

فعالیت کارور باشند. در واقع، کارور می‌تواند صرفاً یک شرکت واسطه نباشد، بلکه به یک مجموعه تخصصی تبدیل شود که مجموعه‌ای از شرکت‌های فنآور و پیمانکاران انرژی را در اجرای پروژه‌های صرفه‌جویی به کار می‌گیرد. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری یک زنجیره اقتصادی جدید در حوزه بهینه‌سازی انرژی منجر شود.

یکی از عناصر کلیدی این مدل، گواهی صرفه‌جویی است. منطق این گواهی ساده است؛ اگر کاهش مصرف قابل اندازه‌گیری و قابل تأیید باشد، باید بتوان برای آن ارزش اقتصادی تعیین کرد. در این صورت، صرفه‌جویی از یک مفهوم فنی به یک دارایی قابل مبادله تبدیل می‌شود. ایجاد چنین بازاری می‌تواند به کشف قیمت صرفه‌جویی و شفاف‌تر شدن رابطه میان سرمایه‌گذار، مصرف‌کننده و تأمین‌کننده انرژی کمک کند. با این حال، کارایی این گواهی بیش از هر چیز به اعتبار فرآیند اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی وابسته است. اگر میزان صرفه‌جویی به‌درستی محاسبه نشود، گواهی صادرشده نیز نمی‌تواند پشتوانه قابل اتکایی برای معامله باشد.

هرچقدر مدل کارور از نظر اقتصادی جذاب باشد، موفقیت آن در نهایت به یک مسئله فنی وابسته است که «چگونه ثابت کنیم چه میزان گاز واقعاً صرفه‌جویی شده است». تعیین خط مبنا، مقایسه مصرف پیش و پس از اجرای پروژه، در نظر گرفتن تغییرات تولید، شرایط آب‌وهوایی و سایر عوامل مؤثر بر مصرف، از موضوعاتی است که باید در فرآیند اندازه‌گیری مورد توجه قرار گیرد. اگر این فرآیند دقیق نباشد، امکان دارد صرفه‌جویی واقعی با صرفه‌جویی محاسباتی تفاوت داشته باشد. در نتیجه، بازار گواهی صرفه‌جویی نیز با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین، استانداردهای اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی را باید یکی از ستون‌های اصلی طرح کارور دانست، نه یک موضوع جانبی. طرح کارور زمانی می‌تواند به یک سازوکار پایدار تبدیل شود که قواعد فعالیت آن برای همه بازیگران روشن باشد. شرکت‌های کارور باید بدانند با چه فرآیندی مجوز دریافت می‌کنند، چه تعهداتی دارند، صرفه‌جویی چگونه محاسبه می‌شود و درآمد آن‌ها چگونه شکل می‌گیرد. مصرف‌کنندگان نیز باید از حقوق خود در قرارداد با کارور اطلاع داشته باشند.

حاصل‌شده متنوع شود. در نتیجه، منافع کارور با هدف کاهش مصرف هم‌جهت می‌شود. هرچه پروژه موفق‌تر باشد و صرفه‌جویی بیشتری ایجاد کند، ارزش اقتصادی بیشتری نیز شکل خواهد گرفت.

اهمیت صرفه‌جویی زمانی روشن‌تر می‌شود که آن را از منظر فرصت ازدست‌رفته بررسی کنیم. در شرایط ناترازی، گازی که در یک بخش بدون بهره‌وری مناسب مصرف می‌شود، می‌تواند به معنای کاهش سهم بخش دیگری از اقتصاد باشد. محدودیت گاز صنایع و نیروگاه‌ها در دوره‌های اوج مصرف، نمونه‌ای از همین مسئله است. بنابراین، هدف از بهینه‌سازی فقط کاهش رقم مصرف نیست. مسئله مهم‌تر، آزادسازی گاز برای مصارف دارای ارزش افزوده بالاتر است. اگر بخشی از گاز مصرفی از طریق اصلاح تجهیزات و فرآیندها آزاد شود، این ظرفیت می‌تواند به تولید صنعتی، نیروگاه‌ها یا بخش‌های اولویت‌دار اختصاص پیدا کند. از این منظر، سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی مصرف می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم سرمایه‌گذاری برای حفظ و افزایش تولید نیز تلقی شود.

اگرچه صنایع بزرگ از مهم‌ترین ظرفیت‌های صرفه‌جویی هستند، اما بازار کارور محدود به صنعت نیست. در ساختمان‌ها نیز ظرفیت قابل توجهی برای کاهش مصرف وجود دارد؛ از اصلاح موتورخانه‌ها و سیستم‌های گرمایشی گرفته تا استفاده از تجهیزات پربازده، کنترل هوشمند و عایق‌کاری.

در بخش صنعت نیز اصلاح مشعل‌ها، ارتقای تجهیزات حرارتی، بازیافت حرارت، بهبود فرآیند تولید و استفاده از سامانه‌های کنترل و مدیریت انرژی می‌تواند زمینه کاهش مصرف را فراهم کند. تفاوت مهم میان این پروژه‌ها در اندازه سرمایه‌گذاری و دوره بازگشت سرمایه است، اما اصل اقتصادی آنها یکسان است یعنی کاهش مصرف بدون کاهش متناسب در سطح تولید یا خدمات.

توسعه کارورهای گاز می‌تواند بازار تازه‌ای برای شرکت‌های فعال در حوزه فناوری انرژی نیز ایجاد کند. اندازه‌گیری هوشمند، تحلیل داده‌های مصرف، سامانه‌های کنترل، تجهیزات گرمایشی پربازده، نرم‌افزارهای مدیریت انرژی و فناوری‌های مرتبط با کاهش مصرف، همگی می‌توانند بخشی از زنجیره

مصرف گاز را کاهش دهد. تفاوت اساسی این رویکرد با برنامه‌های سنتی مدیریت مصرف آن است که صرفه‌جویی ایجادشده قرار نیست صرفاً در قالب یک عدد در گزارش‌های مصرف ثبت شود؛ بلکه باید قابلیت اندازه‌گیری، تأیید و در نهایت ارزش‌گذاری اقتصادی داشته باشد. به عبارت دیگر، هدف این است که صرفه‌جویی به یک دارایی اقتصادی تبدیل شود.

اگر یک پروژه بتواند مصرف گاز یک واحد را نسبت به خط مبنا کاهش دهد، مقدار این کاهش پس از طی فرآیندهای اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی می‌تواند مبنای صدور گواهی صرفه‌جویی قرار گیرد. این گواهی نیز در چارچوب سازوکارهای طراحی‌شده برای بازار انرژی، قابلیت معامله و ایجاد ارزش اقتصادی خواهد داشت.

اهمیت طرح کارور را باید در تغییر نگاه به مسئله انرژی جستجو کرد. در رویکرد سنتی، هنگامی که تقاضای انرژی افزایش می‌یابد، نخستین راه‌حل افزایش عرضه است. اما در شرایطی که منابع مالی، زمان و زیرساخت‌های لازم برای توسعه عرضه محدود است، مدیریت تقاضا می‌تواند به اندازه توسعه ظرفیت تولید اهمیت داشته باشد.

در حوزه گاز، این موضوع اهمیت بیشتری دارد زیرا بخشی از مصرف فعلی ناشی از استفاده از تجهیزات کم‌بازده یا فرآیندهایی است که امکان اصلاح آنها وجود دارد. از این منظر، گاز صرفه‌جویی‌شده عماد یک منبع جدید ایجادشده نیست، اما منبعی آزادشده از مصرف غیرضروری است؛ ظرفیتی که می‌تواند در اختیار بخش دیگری از اقتصاد قرار گیرد.

یکی از پرسش‌های مهم در سیاست‌های بهینه‌سازی این است که چه کسی باید هزینه اجرای پروژه‌ها را بپردازد. تعداد زیاد مصرف‌کنندگان و تنوع بالای پروژه‌های صرفه‌جویی باعث می‌شود دولت به‌تنهایی نتواند همه ظرفیت‌های موجود را شناسایی و تأمین مالی کند. از سوی دیگر، بسیاری از مصرف‌کنندگان نیز به

دلیل هزینه اولیه، پیچیدگی فنی یا نبود اطمینان نسبت به بازگشت سرمایه، برای اجرای طرح‌های بهینه‌سازی اقدام نمی‌کنند. مدل کارور تلاش می‌کند این بن‌بست را با ایجاد یک انگیزه اقتصادی برطرف کند.

شرکت کارور می‌تواند سرمایه و دانش فنی خود را وارد پروژه کند و در مقابل، از ارزش صرفه‌جویی

